

دو تاکتیک سوسیال دموکراسی

در انقلاب دموکراتیک (۱۰۲)

از: آثار منتخب لنین

در یک جلد

تجدید چاپ سال ۱۳۵۳ - ۱۹۷۴

از انتشارات سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور

تکثیر از: حجت برزگر

۱۳۸۱/۰۶/۰۹

(۲۰۰۲/۰۸/۳۱ میلادی)

صفحه	عنوان
	<u>دو تاکتیک سوسیال دموکراسی</u>
	<u>در انقلاب دموکراتیک</u>
۳	* پیشگفتار
۵	۱- یک مسئله سیاسی مبرم
	۲- از قطعنامه کنگره سوم حزب کارگر
	سوسیال دموکرات روسیه در باره حکومت
۸	انقلابی موقت چه نتیجه ای عاید ما میگردد؟
۱۳	۳- معنای «پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریس» چیست؟
۱۷	۴- زیرنویس ها
۱۹	۵- توضیحات

پیشگفتار

در لحظه انقلاب تعقیب حوادثی که برای ارزیابی شعارهای تاکتیکی احزاب انقلابی بمیزانی بس شگرف مدارک جدید بدست می‌دهد کاریست بس دشوار. این رساله قبل از حوادث ادسا نوشته شده است (۱*).* ما در «پرولتاری» (۱۰۳) (شماره ۹، مقاله «انقلاب درس می‌دهد» (۲*)) متذکر شدیم که این حوادث حتی آن سوسیال دموکراتهایی را هم که تئوری قیام - پروسه را وضع نموده و ترویج ایده مربوط به حکومت انقلابی موقت را نفی میکردند مجبور نمود عملاً بجانب مخالفین خود گرویده یا شروع بگرویدن نمایند. انقلاب مسلماً با چنان سرعت و چنان عمقی تعلیم می‌دهد که در دوره های مسالمت آمیز تکامل سیاسی غیر قابل تصور بنظر میرسد. و آنچه بخصوص اهمیت دارد اینست که انقلاب نه فقط به رهبران، بلکه به توده ها نیز تعلیم می‌دهد.

جای هیچگونه تردید نیست که انقلاب بتوده های کارگر روسیه سوسیال دموکراتیسم را خواهد آموخت. انقلاب، با نشان دادن طبیعت واقعی طبقات گوناگون جامعه، با نشان دادن اینکه دموکراسی ما جنبه بورژوازی دارد و با نشان دادن تمایلات واقعی دهقانان که انقلابی بودن آنها روح بورژوا دموکراتیک داشته ولی آنچه را که در ضمیر خود نهفته دارند ایده «سوسیالیزاسیون» نبوده بلکه ایده مبارزه طبقاتی جدیدی بین بورژوازی دهقانی و پرولتاریای ده است، - برنامه و تاکتیک سوسیال دموکراسی را در عمل تأیید خواهد کرد. انقلاب بر تمام توهمات کهنه ناردنیک های سابق که مثلاً در طرح برنامه «حزب سوسیالیست - رولوسیونرها» و در مسئله تکامل سرمایه داری در روسیه و در مسئله دموکراتیسم «جامعه» ما و در مسئله اهمیت پیروزی کامل قیام دهقانان با وضوح کامل خودنمایی میکند، بیرحمانه و بطرزی قطعی قلم بطلان خواهد کشید. انقلاب برای اولین بار طبقات گوناگون را تعمید سیاسی واقعی خواهد داد. این طبقات با سیمای سیاسی مشخصی از انقلاب خارج میشوند زیرا خود را نه فقط بوسیله برنامه ها و شعارهای تاکتیکی ایدئولوگ های خود بلکه ضمن عملیات آشکار سیاسی توده ها نیز نشان خواهند داد.

شکی نیست که انقلاب، ما و توده های مردم را تعلیم خواهد داد. ولی مسئله ایکه اکنون در مقابل حزب رزمنده سیاسی قرار دارد اینستکه آیا ما خواهیم توانست چیزی به انقلاب بیاموزیم؟ آیا ما خواهیم توانست از صحت آموزش سوسیال دموکراتیک خود و از ارتباط خود با یگانه طبقه تا آخر انقلابی یعنی پرولتاریا استفاده نمائیم، تا مهر و نشان پرولتاری به انقلاب بزنیم، و انقلاب را نه در گفتار بل در کردار به پیروزی قطعی و واقعی برسانیم و ناستواری، نیمه کاری و خیانت بورژوازی دموکرات را فلج گذاریم؟

ما باید تمام مساعی خود را متوجه این هدف سازیم. و اما حصول آن از طرفی منوطست به صحت ارزیابی ما از موقعیت سیاسی و درستی شعارهای تاکتیکی ما و از طرف دیگر به پشتیبانی نیروی مبارز عملاً موجود توده های کارگر از این شعارها. کار عادی و روزمره و جاری کلیه سازمان ها و گروههای حزب ما یعنی کار ترویج (پروپاگاندا)، تبلیغ (آژیتاسیون) و تشکیلات، تماماً متوجه تحکیم و توسعه روابط با توده ها گردیده است. این کار همواره ضروریست ولی در لحظه انقلاب کمتر از هر موقع دیگر میتوان آنرا کافی دانست. در این لحظه طبقه کارگر را بطور غریزی شور قیام آشکار انقلابی فرا میگیرد و ما باید بتوانیم وظایف این قیام را صحیحاً معین نمائیم تا بعداً موجبات آشنائی با این وظایف و شیوه درک آنها را در مقیاسی حتی المقدور وسیعتر فراهم سازیم. نباید فراموش کرد که اکنون در پس پرده بدبینی متداول نسبت به رابطه ما با توده، چه بسا ایده های بورژوائی در خصوص نقش پرولتاریا در انقلاب نهفته است. یقین است که ما هنوز باید برای تربیت و تشکل طبقه کارگر بسیار و بسیار کار کنیم، ولی اکنون تمام مطلب بر سر این است که مرکز ثقل عمده سیاسی این تربیت و این تشکل در کجا باید قرار گیرد؟ در اتحادیه ها و جمعیت های علنی یا در قیام مسلحانه و در کار ایجاد یک ارتش انقلابی و حکومت انقلابی؟ چه در این و چه در دیگری، طبقه کارگر تربیت و متشکل میگردد. هم این و هم آن دیگری البته ضروریست. لیکن اکنون، در انقلاب فعلی تمام مسئله در اینستکه مرکز ثقل تربیت و تشکل طبقه کارگر در کجا قرار خواهد گرفت، در اولی یا در دومی؟

فرجام انقلاب منوط به آنست که آیا طبقه کارگر نقش همدست بورژوازی را بازی خواهد کرد، همدستی که از لحاظ نیروی تعرض علیه حکومت مطلقه، توانا ولی از لحاظ سیاسی ناتوانست یا اینکه نقش رهبر انقلاب توده ای را. نمایندگان آگاه بورژوازی بخوبی این موضوع را درک میکنند. و بهمین جهت است که «آسوباژدنیه» (۱۰۴) نظریات آکیموفی یعنی «اکونومیسم» (۱۰۵) در سوسیال دموکراسی را که در شرایط کنونی برای اتحادیه ها و جمعیت های علنی اهمیت درجه اول قائل است، می ستاید. و نیز بهمین جهت است که آقای استرووه تمایلات اصولی آکیموفی را در خط مشی ایسکرای نو تهنیت میگوید (در شماره ۷۲ «آسوباژدنیه»). بهمین جهت است که او با خشم و غضب تمام به محدودیت منفور انقلابی تصمیمات کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه می تازد. شعارهای تاکتیکی صحیح سوسیال دموکراسی، اکنون برای رهبری توده ها دارای اهمیت ویژه ایست. در زمان انقلاب هیچ چیز خطرناکتر از این نیست که از اهمیت شعارهای تاکتیکی از لحاظ اصولی دقیق، کاسته شود. مثلاً «ایسکرا» (۱۰۶) در شماره ۱۰۴ عملاً جانب مخالفین خود در سوسیال دموکراسی را میگیرد ولی در عین حال در باره اهمیت شعارها و تصمیمات تاکتیکی که در پیشاپیش زندگی حرکت میکنند و نشان دهنده راهی هستند که جنبش با یک سلسله عدم موفقیتها و اشتباهات و غیره می پیماید، با بی اعتنائی سخن میگوید. و حال آنکه تدوین تصمیمات تاکتیکی صحیح برای حزبیکه میخواهد پرولتاریا را طبق روح و اصول دقیق مارکسیسم رهبری نماید نه اینکه

فقط بدنبال حوادث گام بردارد حائز نهایت اهمیت است. قطعنامه های کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و کنفرانس قسمت منشعب شده حزب (۳*) دقیقترین، سنجیده ترین و کاملترین نظریات تاکتیکی را بدست ما میدهد که بطور تصادفی بتوسط چند نویسنده اظهار نشده، بلکه به تصویب نمایندگان مسئول پرولتاریای سوسیال دموکرات رسیده است. حزب ما در پیشاپیش تمام احزاب دیگر گام برمیدارد، زیرا دارای برنامه دقیق است که همه آنها تصویب کرده اند. حزب ما برخلاف اپورتونیسیم بورژوا دموکرات های «آسوباژدنیه» و عبارت پردازی انقلابی مابانه سوسیالیست - رولوسیونرها که فقط در موقع انقلاب بصرافت «طرح» برنامه افتاده اند و برای اولین بار این مسئله را مطرح مینمایند که آیا انقلابی که در مقابل چشم آنها بوقوع می پیوندد بورژوازیست یا نه، باید در امر مراعات شدید قطعنامه های تاکتیکی خود نیز برای احزاب دیگر نمونه باشد.

بهمین جهت است که ما مطالعه دقیق قطعنامه های تاکتیکی کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و کنفرانس و تعیین انحرافات را که در آنها از اصول مارکسیسم شده است و درک وظایف مشخص پرولتاریای سوسیال دموکرات را در انقلاب دموکراتیک، از اهم وظایف سوسیال دموکراسی انقلابی میشماریم. رساله حاضر به همین منظور هم اختصاص داده شده است. واریسی تاکتیک ما از نقطه نظر اصول مارکسیسم و درسهای انقلاب برای آن کسانی هم که میخواهند موجبات وحدت تاکتیک را بمشابه پایه وحدت کامل آینده تمام حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه عملاً فراهم نمایند و نمیخواهند تنها به دادن پند و اندرز اکتفا ورزند ضروریست.

ژوئیه سال ۱۹۰۵

ن. لنین

که بین «ایسکرای» قدیم و نو ورطه عمیقی وجود دارد. (توضیح لنین در چاپ سال ۱۹۰۷، ه. ت)

۱- یک مسئله سیاسی مبرم

مسئله دعوت مجلس مؤسسان همگانی در لحظه انقلابی که ما در آن بسر می بریم در دستور روز قرار دارد. در باره چگونگی حل این مسئله عقاید مختلفی وجود دارد. سه خط مشی سیاسی پدید می آید. حکومت تزاری ضرورت دعوت نمایندگان مردم را مجاز میشمارد ولی بهیچوجه مایل نیست اجازه دهد که مجلس آنها همگانی و مؤسسان باشد. چنانچه اخبار روزنامه ها را در باره کارهای کمیسیون بولیگین (۱۰۷) قبول کنیم مثل اینست که حکومت تزار با یک مجلس مشاوره ای که در شرایط عدم آزادی تبلیغات و با یک مقررات انتخاباتی مشروط صنفی محدود انتخاب شود موافقت دارد. پرولتاریای انقلابی، چون سوسیال دموکراسی ویرا رهبری مینماید، خواستار انتقال کامل قدرت

حاکمه بدست مجلس مؤسسان است و برای حصول این مقصود نه فقط در راه حق انتخابات عمومی و نه فقط در راه آزادی تام تبلیغات، بلکه علاوه بر آن در راه سرنگون ساختن فوری حکومت تزاری و تعویض آن با حکومت انقلابی موقت نیز مجاهدت مینماید. بالاخره بورژوازی لیبرال، که تمایلات خود را با زبان پیشوایان باصطلاح «حزب دموکرات مشروطه طلب» (۱۰۸) بیان مینماید، خواستار سرنگون ساختن حکومت تزاری نیست و شعار حکومت موقت را بمیان نمیکشد و برای تضمین واقعی اینموضوع که انتخابات کاملاً آزاد و صحیح باشد و مجلس نمایندگان بتواند واقعاً همگانی و واقعاً مؤسسان باشد اصرار نمیورزد. بورژوازی لیبرال، که تنها تکیه گاه اجتماعی جدی خط مشی هواداران «آسوباژدنیه» است در ماهیت امر میکوشد یک بندوبست حتی المقدور مسالمت آمیزتری بین تزار و توده انقلابی بوجود آید و آنهم بندوبستی که در نتیجه آن قدرت هر چه بیشتر بدست وی یعنی بورژوازی و هر چه کمتر بدست توده انقلابی یعنی پرولتاریا و دهقانان بیفتد.

چنین است وضعیت سیاسی در لحظه حاضر. چنینند آن سه خط مشی عمده سیاسی که با سه نیروی اجتماعی روسیه معاصر مطابقت دارند. در باره اینکه چگونه هواداران «آسوباژدنیه» سیاست نیمه کاری، یا عبارت صریحتر و ساده تر، سیاست خائنانه و عهد شکنانه خود را نسبت به انقلاب در زیر عبارات دموکرات مابانه میپوشانند، ما تاکنون چند بار در «پرولتاری» (شماره های، ۴، ۵) صحبت کرده ایم. حال بینیم سوسیال دموکراتها وظایف لحظه حاضر را چگونه در نظر میگیرند، بهترین مدارک در این مورد دو قطعنامه ایست که همین چندی پیش مورد تصویب کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و «کنفرانس» قسمت منشعب شده حزب قرار گرفته است. این مسئله که کدامیک از این قطعنامه ها موقعیت سیاسی را صحیحتر بحساب می آورد و تاکتیک پرولتاریای انقلابی را صحیحتر معین مینماید حائز نهایت اهمیت است و هر سوسیال دموکراتی که بخواهد وظایف ترویجی (پروپاگاندا) و تبلیغی (آژیتاسیون) و تشکیلاتی خود را آگاهانه انجام دهد باید ملاحظاتی را که با ماهیت این قضیه ارتباطی ندارد بکلی کنار گذارده این مسئله را با دقت کامل موشکافی نماید.

منظور از تاکتیک حزب، روش سیاسی آن، یا عبارت دیگر خصلت و خط مشی و شیوه های فعالیت سیاسی آن است. کنگره حزب قطعنامه های تاکتیکی را بدینمنظور صادر مینماید که روش سیاسی حزب بمثابة یک واحد کل را نسبت به وظایف جدید و یا نسبت به وضعیت سیاسی جدید بطور دقیق معین نماید. انقلابی که در روسیه آغاز شده است، یعنی جدائی کامل و قطعی و آشکار اکثریت عظیم مردم از دولت تزاری، یک چنین وضعیت جدیدی را بوجود آورده است. مسئله جدید عبارتست از چگونگی شیوه های عملی دعوت مجلسی که واقعاً همگانی و واقعاً مؤسسان باشد (سوسیال دموکراسی از لحاظ تئوری مسئله تشکیل این مجلس را مدتها پیش و قبل از کلیه احزاب دیگر رسماً در برنامه حزبی خود حل نموده است). حال که مردم از دولت جدا شده اند و توده بلزوم استقرار نظم جدید پی برده است، حزبیکه هدف و منظور خود را سرنگون ساختن حکومت قرار داده

است ناگزیر باید در فکر این باشد که چگونه حکومتی را جایگزین حکومت قدیمی که باید سرنگون شود بنماید. مسئله جدیدی در خصوص حکومت انقلابی موقت پیش میاید. برای اینکه جواب کاملی باین مسئله داده شود حزب پرولتاریای آگاه باید نکات زیرین را روشن نماید، اولاً اهمیت حکومت انقلابی موقت را در انقلاب جاری و بطور کلی در تمام مبارزه پرولتاریا؛ ثانیاً روش خود را نسبت به حکومت انقلابی موقت؛ ثالثاً شرایط دقیق شرکت سوسیال دموکراسی را در این حکومت؛ رابعاً شرایط فشار بر این حکومت را از پائین یعنی در صورتیکه سوسیال دموکراسی در آن شرکت نداشته باشد. فقط در صورت روشن شدن کلیه این مسائل، روش سیاسی حزب در این مورد - اصولی، واضح و پابرجا خواهد بود.

حال به بینیم قطعنامه کنگره سوم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه این مسائل را چگونه حل مینماید. اینک متن کامل آن:

«قطعنامه مربوط به حکومت انقلابی موقت.

با توجه به اینکه:

۱) خواه منافع بلاواسطه پرولتاریا و خواه منافع مبارزه آن در راه رسیدن به هدف های نهائی سوسیالیسم، آزادی سیاسی حتی المقدور کاملتر و بالنتیجه تعویض حکومت مطلقه با جمهوری دموکراتیک را ایجاب مینماید؛

۲) استقرار جمهوری دموکراتیک در روسیه فقط در نتیجه قیام پیروزمندانه مردم، که ارگان آن حکومت انقلابی موقت خواهد بود، امکان پذیر است و این حکومت یگانه حکومتی است که قادر است آزادی کامل تبلیغات پیش از انتخاباتی را تأمین کند و مجلس مؤسسانی را که واقعاً مظهر اراده مردم باشد بر اساس حق انتخاب همگانی، متساوی و مستقیم با اخذ رأی مخفی دعوت نماید؛

۳) این انقلاب دموکراتیک در روسیه، باوجود رژیم اجتماعی و اقتصادی فعلی آن، سلطه بورژوازی را که ناگزیر در لحظه معین، بدون فروگذاری از هیچ اقدامی، کوشش خواهد کرد حتی المقدور قسمت بیشتری از پیروزی های دوره انقلاب را از چنگ پرولتاریای روسیه خارج سازد، وضعیت ننموده بلکه آنرا تقویت مینماید؛

کنگره سوم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه مقرر میدارد:

الف) ضروری است تصور روشنی در باره محتمل ترین سیر انقلاب و نیز در باره اینکه در لحظه معینی از آن پیدایش حکومت انقلابی موقت که پرولتاریا اجرای همه خواسته های فوری سیاسی و اقتصادی برنامه (برنامه حداقل) ما را از آن طلب خواهد نمود ناگزیر خواهد بود - در بین طبقه کارگر اشاعه یابد.

ب) با در نظر گرفتن تناسب قوا و عوامل دیگری که تعیین دقیق آنها از پیش غیرممکن است شرکت نمایندگان حزب ما در حکومت انقلابی موقت بمنظور مبارزه بیرحمانه با کلیه تلاشهای ضد انقلابی و دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر مجاز میباشد؛

ج) شرط لازم چنین شرکتی نظارت شدید حزب بر نمایندگان خود و حفظ مداوم استقلال سوسیال دموکراسی است که انقلاب سوسیالیستی کامل را هدف مساعی خویش قرار داده و بهمین جهت هم دشمن آشتی ناپذیر تمام احزاب بورژوازی است؛

د) اعم از اینکه شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی موقت ممکن باشد یا نه، باید بمنظور حفظ و تحکیم و بسط توسعه پیروزی های انقلاب اندیشه لزوم فشار دائمی بر حکومت موقت از طرف پرولتاریای مسلح و تحت رهبری سوسیال دموکراسی را در بین وسیع ترین قشرهای پرولتاریا ترویج نمود».

۲. از قطعنامه کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

در باره حکومت انقلابی موقت چه نتیجه ای عاید ما میگردد؟

قطعنامه کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه همانطور که از عنوان آن معلومست تماماً و منحصرأ به مسئله حکومت انقلابی موقت اختصاص داده شده است. این به معنی آنست که شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی موقت جزئی از این مسئله را تشکیل میدهد. از طرف دیگر صحبت فقط بر سر حکومت انقلابی موقت است نه موضوع دیگری؛ بنابراین در اینجا بهیچوجه از مسئله فرضاً «به کف آوردن قدرت» بطور کلی و غیره صحبتی نمیشود. آیا کنگره با کنار گذاردن مسئله اخیر و مسائلی نظیر آن کار صحیحی کرده است؟ بدون شک آری، زیرا موقعیت سیاسی روسیه ابدأ چنین مسائلی را جزو مسائل روز قرار نمیدهد. و حال آنکه سرنگون ساختن حکومت مطلقه و دعوت مجلس مؤسسان مسئله ایست که تمام مردم آنرا در درجه اول اهمیت قرار داده اند. کنگره های حزب نباید مسائلی را برای اتخاذ تصمیم مطرح نمایند که فلان یا بهمان ادیب بجا یا بیجا بمیان کشیده است، بلکه مسائلی را باید مطرح نمایند که تحکم شرایط زمان و بنا بر جریان عینی تکامل اجتماعی دارای اهمیت جدی سیاسی می باشند.

اهمیت حکومت انقلابی موقت در انقلاب فعلی و در مبارزه عمومی پرولتاریا چیست؟ قطعنامه کنگره در همان آغاز با اشاره بلزوم «آزادی سیاسی حتی المقدور کاملتر» این موضوع را خواه از نقطه نظر منافع بلاواسطه پرولتاریا و خواه از نقطه نظر «هدف های نهائی سوسیالیسم» روشن مینماید. و اما آزادی کامل سیاسی همانطور که در برنامه حزبی ما اشعار شده است، لازمه اش تعویض حکومت مطلقه تزار با جمهوری دموکراتیک است. تکیه روی شعار جمهوری دموکراتیک در قطعنامه کنگره بحکم منطق و از لحاظ اصولی، ضروری است زیرا پرولتاریا که مبارز پیشتاز راه دموکراسی است تمام همش همانا مصروف به تحصیل آزادی کامل است. بعلاوه این عمل حالا بخصوص صلاح و بموقع است زیرا سلطنت طلبان یعنی حزب باصطلاح «دموکرات» مشروطه طلب و یا حزب «آسوباژدنیه» نیز اکنون زیر لوای «دموکراتیسم» عمل مینمایند. برای استقرار جمهوری بدون

شک تشکیل مجلس نمایندگان مردم و آنهم مجلسی که حتماً منتخب تمام مردم (بر اساس حق انتخاب همگانی، متساوی و مستقیم با اخذ رأی مخفی) و مؤسسان باشد ضروریست. اینموضوع را قطعنامه کنگره در قسمت بعدی تصدیق کرده است. ولی قطعنامه باینموضوع اکتفا نمیکند. برای استقرار نظم جدیدیکه «واقعاً مظهر اراده مردم باشد» تنها دادن نام مؤسسان به مجلس نمایندگان کافی نیست. باید این مجلس قدرت و توانائی «تأسیس کردن» را نیز داشته باشد. قطعنامه کنگره با علم به این موضوع به شعار ظاهری «مجلس مؤسسان» اکتفا ننموده بلکه آنچنان شرایط مادی را بدان اضافه مینماید که فقط در آن شرایط این مجلس خواهد توانست وظایف خود را بطور واقعی انجام دهد. تعیین یک چنین شرایطی که در آن مجلس لفظاً مؤسسان میتواند به مجلس عملاً مؤسسان بدل شود اکیداً لازمست، زیرا بورژوازی لیبرال که نماینده آن حزب سلطنت طلب مشروطه خواه است، بطوریکه ما بکرات متذکر شده ایم، شعار مجلس مؤسسان همگانی را آشکارا تحریف مینماید و آنرا تبدیل بعباراتی پوچ می کند.

قطعنامه کنگره حاکیست که فقط حکومت انقلابی موقت، و آنهم حکومتی که ارگان قیام پیروزمندانه مردم باشد، قادر است آزادی کامل تبلیغات پیش از انتخاباتی را تأمین و مجلسی را که واقعاً مظهر اراده مردم باشد دعوت نماید. آیا این اصل صحیح است؟ کسی که بخواهد آنرا نفی نماید قطعاً باید ادعا کند که حکومت تزار ممکن است جانب ارتجاع را نگیرد، میتواند در انتخابات بی طرف بماند و میتواند نسبت به مظهر واقعی اراده مردم غمخواری داشته باشد، چنین ادعائی آنقدر بیمعنی است که هیچکس علناً از آن دفاع نخواهد کرد ولی آسواباژدنیه ای های ما در زیر لوای لیبرالی این مطلب را بطور نهانی جا میزنند. مجلس مؤسسان را باید کسی دعوت نماید؛ آزادی و صحت انتخابات را باید کسی تأمین نماید؛ نیرو و قدرت را باید کسی کلاً تفویض این مجلس نماید؛ فقط حکومت انقلابی که ارگان قیام است میتواند با کمال صداقت خواستار این موضوع باشد و از عهده آنچه که برای اجرای آن لازم است برآید. حکومت تزار ناگزیر بر ضد این کار اقدام خواهد نمود. دولت لیبرال که با تزار بندوبست کرده باشد و اتکاء کاملش به قیام مردم نباشد نمیتواند نه از روی صداقت خواستار آن باشد و نه آنرا بموقع اجرا گذارد، حتی اگر در این مورد صادقانه ترین تمایلات را داشته باشد. بنابراین قطعنامه کنگره یگانه شعار دموکراتیک صحیح و کاملاً پیگیر را بدست میدهد.

ولی چنانچه جنبه طبقاتی تحول دموکراتیک از نظر دور گردد در اینصورت ارزیابی اهمیت حکومت انقلابی موقت هم ناقص و نادرست خواهد بود. از اینرو در قطعنامه اضافه میشود که انقلاب – سلطه بورژوازی را تقویت مینماید. این موضوع در رژیم اجتماعی و اقتصادی فعلی یعنی سرمایه داری ناگزیر است. و نتیجه قوت یافتن سلطه بورژوازی بر پرولتاریائیکه تا اندازه ای آزادی سیاسی دارد، بنوبه خود باید ناگزیر عبارت باشد از مبارزه شدید بین آنان در راه بدست آوردن قدرت و نیز عبارت باشد از تلاشهای شدید بورژوازی برای اینکه «پیروزی های دوره انقلاب را از چنگ پرولتاریا خارج

سازد». لذا پرولتاریا، که پیشاپیش همه و در رأس همه برای دموکراسی مبارزه میکند، حتی لحظه ای هم نباید تضادهای جدیدی را که در درون دموکراسی بورژوازی نهفته است و نیز مبارزه جدید را فراموش نماید.

بنابراین اهمیت حکومت انقلابی موقت چه از لحاظ روش آن نسبت به مبارزه در راه آزادی و جمهوری، چه از لحاظ روش آن نسبت به مجلس مؤسسان و چه از لحاظ روش آن نسبت به تحول دموکراتیک، که زمینه را برای مبارزه جدید طبقاتی حاضر مینماید، در قسمتی از قطعنامه که هم اکنون آنرا از نظر گذراندیم کاملاً ارزیابی شده است.

سپس سؤال میشود آیا خط مشی پرولتاریا نسبت به حکومت انقلابی موقت بطور کلی، باید چگونه باشد؟ در پاسخ این مطلب قطعنامه کنگره قبل از همه به حزب توصیه صریح میکند که اندیشه ضرورت ایجاد حکومت انقلابی موقت را در میان طبقه کارگر اشاعه دهد. طبقه کارگر باید این ضرورت را درک نماید. در همان حال که بورژوازی «دموکرات» در باره مسئله سرنگون ساختن حکومت تزاری سکوت اختیار مینماید، ما باید آنرا در درجه اول اهمیت قرار داده و در مورد لزوم تشکیل حکومت انقلابی موقت اصرار ورزیم. علاوه بر آن ما باید برنامه عمل این حکومت را بر طبق شرایط عینی لحظه تاریخی فعلی و طبق وظایف دموکراسی پرولتاریا معین نمائیم. این برنامه شامل تمام برنامه حداقل حزب ما یعنی برنامه اصلاحات فوری سیاسی و اقتصادی است که از طرفی در شرایط مناسبات اجتماعی و اقتصادی فعلی کاملاً قابل اجرا است و از طرف دیگر برای برداشتن گام بعدی بجلو و عملی کردن سوسیالیسم ضروری است.

بدینطریق این قطعنامه خصلت و هدف حکومت انقلابی موقت را روشن میسازد. از لحاظ چگونگی منشاء و خصلت اساسی خود این حکومت باید ارگان قیام مردم باشد. از لحاظ سمت رسمی خود باید سلاحی برای دعوت مجلس مؤسسان همگانی باشد. از لحاظ مضمون فعالیتش باید برنامه حداقل دموکراسی پرولتاریائی را که یگانه تأمین کننده منافع مردمی است که بر ضد حکومت مطلقه قیام کرده اند - عملی کند.

ممکن است معترضانه بگویند حکومت موقت، به علت موقتی بودنش، حق ندارد برنامه مثبتی را که هنوز مورد تصویب تمام مردم قرار نگرفته است اجرا نماید. یک چنین اعتراضی جز سفسطه جوئی مرتجعین و «عمال استبداد» چیز دیگری نیست. خودداری از اجراء هرگونه برنامه مثبتی در حکم تحمل وجود نظامات فئودالی حکومت مطلقه فاسده است. چنین نظاماتی را فقط حکومت خائنین به انقلاب میتوانند تحمل نمایند نه حکومتی که ارگان قیام مردم باشد مسخره بود اگر کسی پیشنهاد میکرد، مادام که آزادی اجتماعات از طرف مجلس مؤسسان شناخته نشده است از عملی کردن آن امتناع شود، - به این بهانه که ممکن است مجلس مؤسسان اساساً آزادی اجتماعات را برسمیت نشناسد! همینطور هم مسخره است اگر کسی بر ضد اینکه حکومت انقلابی موقت، باید بیدرنگ برنامه حداقل را بموقع اجرا گذارد اعتراض کند.

بالاخره متذکر میشویم که وقتی قطعنامه، حکومت انقلابی موقت را موظف به عملی ساختن برنامه حداقل مینماید، بدینطریق افکار بیمعنی نیمه آنارشیستی را در باره اجرای بیدرنگ برنامه حداکثر و بدست آوردن قدرت برای انجام انقلاب سوسیالیستی بدور میاندازد. سطح فعلی تکامل اقتصادی روسیه (شرط ابژکتیف) و سطح فعلی آگاهی و تشکل توده های وسیع پرولتاریا (شرط سوپژکتیف که ارتباط لاینفکی با شرط ابژکتیف دارد) آزادی تام و فوری طبقه کارگر را غیر ممکن میسازد. فقط اشخاص کاملاً جاهل ممکن است جنبه بورژوازی تحول دموکراتیک را که در حال عملی شدن است از نظر دور دارند؛ _ فقط خوش بینان کاملاً ساده لوح ممکن است این موضوع را فراموش کنند که درجه اطلاع توده کارگر از هدفهای سوسیالیسم و شیوه های اجرای آن هنوز تا چه اندازه کم است. ولی ما همه یقین داریم که آزادی کارگران فقط بدست خود کارگران میتواند انجام گیرد؛ بدون آگاهی و تشکل توده ها، بدون آماده نمودن و پرورش آنها از راه مبارزه طبقاتی آشکار بر ضد تمام بورژوازی، کوچکترین سخنی در باره انقلاب سوسیالیستی نمیتواند در میان باشد. و در پاسخ اعتراضات آنارشیستی مبنی بر اینکه گویا ما انقلاب سوسیالیستی را بتعویق میاندازیم خواهیم گفت: ما آنرا بتعویق میاندازیم بلکه با یگانه وسیله ممکن و از یگانه راه صحیح، یعنی از همان راه جمهوری دموکراتیک، نخستین گام را بسوی آن برمیداریم. کسیکه بخواهد از راه دیگری سوی دموکراتیسم سیاسی بسوی سوسیالیسم برود، مسلماً چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی به نتایج بی معنی و مرتجعانه ای خواهد رسید. اگر کارگرانی در موقع خود از ما بپرسند: چرا ما نباید برنامه حداکثر را اجرا نمائیم ما در پاسخ، متذکر خواهیم شد توده های مردم، که دارای تمایلات دموکراتیک هستند، هنوز از سوسیالیسم خیلی دورند، هنوز تضادهای طبقاتی نضج نگرفته است و هنوز پرولتاریا متشکل نشده است. صدها هزار کارگر را در تمام روسیه متشکل کنید ببینیم، حسن نظر نسبت به برنامه خود را در بین میلیونها کارگر تعمیم دهید ببینیم! سعی کنید این کار را انجام دهید و تنها به جملات پر سر و صدا ولی توخالی آنارشیستی اکتفا نوزید، _ آنوقت فوراً خواهید دید که عملی کردن این تشکل و بسط این فرهنگ سوسیالیستی منوطست به اجرای هرچه کاملتر _ اصلاحات دموکراتیک.

و اما بعد. حال که اهمیت حکومت انقلابی موقت و روش پرولتاریا نسبت به آن معلوم گردید پرسش ذیل پیش می آید: آیا شرکت ما در آن (اعمال نفوذ از بالا) مجاز است و در اینصورت شرایط آن چیست؟ اعمال نفوذ ما از پائین چه شکلی باید داشته باشد؟ قطعنامه به هر دو این پرسشها دقیقاً پاسخ میدهد. قطعنامه بطور قطعی میگوید شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی موقت (در دوره تحول دموکراتیک و مبارزه در راه جمهوری) از لحاظ اصولی مجاز است. با این اظهار، ما خود را هم از آنارشیستها که این مسئله را از لحاظ اصولی نفی میکنند و هم از دنباله روهای سوسیال دموکراسی (از قبیل مارتینف و نوایسکرائیها) که ما را از دورنمای وضعیتی، که در آن ممکن است این شرکت برای ما ضروری بشود، میتراسانند بطور قطع مجزا مینمائیم. کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه با این اظهار خود بر روی این فکر نو «ایسکرا» که گویا

شرکت سوسیال دموکراتها در حکومت انقلابی موقت نوعی از میلرانیسم (۱۰۹) است و گویا این عمل از لحاظ اصولی مجاز نیست زیرا در حکم تجلیل و تقدیس رژیم بورژوازی است و قس علیهذا خط بطلان کشید.

ولی بخودی خود معلومست که مسئله مجاز بودن در اصول هنوز مسئله صلاح بودن در عمل را حل نمیکند. در چه شرایطی این شکل جدید مبارزه یعنی مبارزه «از بالا» که از طرف کنگره حزب قبول شده است صلاح است؟ بخودی واضحست که در حال حاضر ممکن نیست بتوان در باره شرایط مشخصی مانند تناسب قوا و غیره صحبت کرد و طبیعی است که قطعنامه نیز از تعریف پیشکی این شرایط خودداری مینماید. هیچ شخص عاقلی به پیشگویی مسئله ای که در لحظه حاضر مورد توجه ما است اقدام نخواهد کرد. و اما چگونگی و هدف شرکت ما را میتوان و باید تعریف کرد. قطعنامه هم همین عمل را انجام میدهد و به دو هدف این شرکت اشاره میکند: (۱) مبارزه بیرحمانه با تلاشهای ضد انقلابی و (۲) دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر. در این هنگام که بورژواهای لیبرال با حرارت تمام در باره روحیه ارتجاع آغاز سخن میکنند (رجوع شود به «نامه سرگشاده») کاملاً آموزنده آقای استرووه مندرجه در شماره ۷۱ «آسوابوژدنیه» و در ضمن آن میکوشند مردم انقلابی را بترسانند و مجبور نمایند در مقابل حکومت مطلقه گذشت نمایند، در این هنگام بخصوص بجاست که حزب پرولتاریا وظیفه جنگ فعلی با ضد انقلاب را یادآوری نماید. مسائل خطیر آزادی سیاسی و مبارزه طبقاتی را سرانجام فقط نیرو حل میکند و ما باید در آماده و متشکل ساختن این نیرو و در استعمال مجدانه آن که نه فقط دفاعی بلکه تعرضی هم باشد مراقبت ورزیم. دوران طولانی ارتجاع سیاسی که از زمان کمون پاریس تقریباً لاینقطع در اروپا حکمفرما است بیش از حد ما را با اندیشه فقط اعمال نفوذ «از پائین» مانوس نموده است و بیش از حد ما را به مشاهده مبارزه صرفاً تدافعی خو داده است، اکنون بدون شک ما وارد عصر جدیدی شده ایم؛ دوران تلاطمات سیاسی و انقلابها آغاز شده است. در این دورانی که روسیه میگذراند اکتفا به نمونه های قالبی کار گذشته جایز نیست. باید اندیشه اعمال نفوذ از بالا را ترویج نمود، باید برای جدیدترین عملیات تعرضی حاضر شد و باید شرایط و اشکال این عملیات را بررسی نمود. از میان این شرایط قطعنامه کنگره دو شرط را در درجه اول اهمیت قرار میدهد: یکی مربوط است به جنبه صوری شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی موقت (نظارت شدید حزب بر نمایندگان خود) و دیگری مربوط است به ماهیت این شرکت (حتی لحظه ای هم نباید هدف انقلاب سوسیالیستی کامل را از نظر دور داشت).

بدین طریق پس از آنکه قطعنامه سیاست حزب را در شرایط اعمال نفوذ «از بالا» یعنی شیوه جدید مبارزه که تقریباً تاکنون بیسابقه بوده است - از تمام جهات روشن مینماید، آن موردی را هم که در آن اعمال نفوذ از بالا برای ما میسر نخواهد بود پیش بینی میکند. اعمال نفوذ بر حکومت انقلابی موقت از پائین در هر صورت وظیفه ما است. برای یک چنین فشاری از پائین، پرولتاریا باید مسلح باشد، - زیرا در لحظه انقلاب، کار با سرعت مخصوصی به جنگ آشکار داخلی کشیده میشود - و

نیز پرولتاریا باید بتوسط سوسیال دموکراسی رهبری شود. هدف اعمال فشار مسلحانه وی «حفظ و تحکیم و بسط و توسعه پیروزی های انقلاب» یعنی آن پیروزی هائی است که از نقطه نظر منافع پرولتاریا باید شامل اجرای تمام برنامه حداقل ما باشد.

در اینجا بررسی مختصر قطعنامه کنگره سوم در باره حکومت انقلابی موقت را بیابان می‌رسانیم. بطوریکه خواننده مشاهده مینماید، این قطعنامه هم اهمیت مسئله جدید و هم روش حزب پرولتاریا را نسبت به آن و هم سیاست حزب را خواه در داخل حکومت انقلابی موقت و خواه در خارج آن روشن مینماید.

حال نظری به قطعنامه مربوطه «کنفرانس» بیان‌دازیم.

۳- معنای «پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریس» چیست؟

قطعنامه «کنفرانس» به مسئله «بکف آوردن قدرت و شرکت در حکومت موقت» (۴*) اختصاص داده شده است. حتی در خود طرح مسئله به این صورت، چنانچه ما اشاره کرده ایم، آشفته فکری وجود دارد. از یکسو مسئله بطور محدود مطرح میشود، زیرا فقط در باره شرکت ما در حکومت موقت صحبت میشود نه در باره وظایف حزب نسبت به حکومت انقلابی موقت بطور کلی. از سوی دیگر دو مسئله کاملاً ناهمگون با یکدیگر مخلوط میشوند: شرکت ما در یکی از مراحل انقلاب دموکراتیک از یک طرف و انقلاب سوسیالیستی از طرف دیگر. در حقیقت امر «به کف آوردن قدرت» از طرف سوسیال دموکراسی، همان انقلاب سوسیالیستی است و هر گاه این کلمات به معنای صریح و عادی آن استعمال شود هیچ مفهوم دیگری هم نمیتواند داشته باشد. ولی هرگاه منظور از این کلمات بکف آوردن قدرت برای انقلاب سوسیالیستی نبوده بلکه برای انقلاب دموکراتیک باشد، در اینصورت دیگر چه معنائی دارد که علاوه بر شرکت در حکومت انقلابی موقت از «بکف آوردن قدرت» بطور کلی نیز صحبت شود؟ ظاهراً «کنفرانسچیه‌ای» ما خودشان هم بخوبی نمیدانستند در اطراف چه موضوع بخصوصی باید صحبت کنند، در اطراف انقلاب دموکراتیک یا سوسیالیستی. کسیکه در جریان نگارش های مربوط به این مسئله بوده میداند که مبنای این آشفته فکری را رفیق مارتینف در رساله «دو دیکتاتوری» مشهور خود بنا نهاده است: نوایسکرائیها از شیوه طرح این مسئله (هنوز قبل از نهم ژانویه) (۱۱۰) در این اثری که نمونه کامل دنباله روی است، با بیمیلی یاد میکنند ولی در باره نفوذ مسلکی این مسئله در کنفرانس جای هیچگونه تردیدی نیست.

باری، عنوان قطعنامه را کنار بگذاریم. متن آن، اشتباهاتی را به ما نشان میدهد که بمراتب عمیق تر و جدیتر است. اینک قسمت اول آن:

«پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریس ممکن است یا با استقرار حکومت موقت که از قیام پیروزمندان مردم برون می آید مسجل گردد و یا با اقدام انقلابی این یا آن مؤسسه انتخابی که در زیر فشار

مستقیم انقلابی مردم تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان همگانی می‌گردد».

پس به ما می‌گویند پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریسم ممکن است هم قیام پیروزمندانه باشد و هم... تصمیم مؤسسه انتخابی به تشکیل مجلس مؤسسان همگانی! یعنی چه؟ چطور؟ پیروزی قطعی میتواند با «تصمیم» به تشکیل مجلس مؤسسان مسجل گردد؟؟ آنوقت یک چنین «پیروزی» با استقرار حکومت موقت که «از قیام پیروزمندانه مردم برون می‌آید» در یک ردیف قرار داده میشود!! کنفرانس متوجه نشده است که قیام پیروزمندانه مردم و استقرار حکومت موقت معنایش پیروزی انقلاب در عمل است، و حال آنکه «تصمیم» به تشکیل مجلس مؤسسان معنایش پیروزی انقلاب فقط در حرف است.

کنفرانس منشویکهای نوایسکرائی دچار همان اشتباهی گردیده است که لیبرالها و هواداران «آسواباژدنیه» همواره بدان دچار می‌گردند. هواداران «آسواباژدنیه» در باره مجلس «مؤسسان» عبارت پردازی مینمایند و از شدت شرم در مقابل این حقیقت که نیرو و قدرت حاکمه در دست تزار باقی میماند چشم فرو می‌بندند و فراموش میکنند که برای «استقرار» باید نیروی مستقر کردن داشت. کنفرانس همچنین فراموش کرده است که از «تصمیم» نمایندگان - اعم از اینکه این نمایندگان هر که باشند - تا عملی کردن این تصمیم خیلی فاصله است. کنفرانس همچنین فراموش کرده است مادامکه قدرت در دست تزار است هر تصمیمی که از طرف هر نماینده ای گرفته شود همان یاوه سرائی پوچ و بیمقداری خواهد بود که «تصمیم» پارلمان فرانکفورت، که در تاریخ انقلاب سال ۱۸۴۸ آلمان مشهور است، به آن چنان یاوه سرائی بدل گردید. مارکس نماینده پرولتاریای انقلابی، در «روزنامه جدید رن» خود بهمین جهت لیبرالهای «آسواباژدنیه» مآب فرانکفورت را با تازیانه طعنه های بی رحمانه خود میگوید که کلمات زیبا بکار می‌برند، انواع «تصمیمات» دموکراتیک اتخاذ می نمودند، انواع آزادیها «وضع مینمودند»، ولی عملاً قدرت را در دست شاه باقی میگذاشتند و بر ضد نیروی نظامی که در اختیار شاه بود به مبارزه مسلحانه نمی پرداختند. ولی در همان هنگام که این آسواباژدنیه مآب های فرانکفورت به پرحرفی مشغول بودند، - شاه از فرصت استفاده کرد و نیروی نظامی خود را تقویت نمود و بالنتیجه ضد انقلاب، با اتکاء به یک نیروی واقعی، دموکراتها را با تمام «تصمیمات» زیبای آنها بکلی در هم شکست.

کنفرانس چیزی را با پیروزی قطعی برابر دانسته است که اتفاقاً فاقد شرایط قطعی پیروزیست. چه شد که سوسیال دموکراتهایی که برنامه حزب ما را در باره جمهوری قبول دارند به چنین اشتباهی دچار گردیدند؟ برای فهم این پدیده عجیب لازمست به قطعنامه کنگره سوم در باره قسمت منشعب شده حزب مراجعه نمود (*۵). در این قطعنامه به بقایای جریانات گوناگونی در داخل حزب ما اشاره میشود که «با اکونومیسم خویشاوندی دارند». «کنفرانس چی های» ما (که البته بیهوده تحت رهبری مسلکی مارتینف قرار نگرفته اند) در باره انقلاب، کاملاً با همان روحی استدلال مینمایند که اکونومیستها در باره مبارزه سیاسی یا روز کار ۸ ساعته استدلال میکردند. اکونومیستها تا از این

موضوع صحبت میشد فوراً «تئوری مراحل» را بمیان میکشیدند. ۱) مبارزه در راه احراز حقوق حقه؛ ۲) تبلیغات سیاسی؛ ۳) مبارزه سیاسی، - یا ۱) روز کار ده ساعته؛ ۲) ۹ ساعته؛ ۳) ۸ ساعته. نتایجیکه از این «تاکتیک - پروسه» عاید می شد بحد کافی بر همه معلومست. اکنون به ما پیشنهاد مینمایند انقلاب را هم از پیش بطرزی پاک و پاکیزه به سه مرحله تقسیم کنیم: ۱) تزار مجلس نمایندگی را دعوت مینماید؛ ۲) این مجلس نمایندگی زیر فشار «مردم» «تصمیم» به تشکیل مجلس مؤسسان میگیرد؛ ۳) ... در خصوص مرحله سوم منشویکها هنوز همکلام نشده اند؛ آنها فراموش کرده اند که فشار انقلابی مردم با فشار ضد انقلابی تزاریسم مواجه میشود و بدین سبب یا «تصمیم» اجرا نشده باقی میماند و یا اینکه باز هم مسئله را پیروزی یا شکست قیام مردم حل میکند. قطعنامه کنفرانس عیناً به این استدلال اکنومیستها شبیه است که: پیروزی قطعی کارگران ممکن است یا بوسیله اجرای انقلابی روز کار ۸ ساعته مسجل گردد و یا بوسیله اعطاء روز کار ۱۰ ساعته و اتخاذ «تصمیم» برای برقراری روز کار ۹ ساعته... هر دو عیناً یکیست.

ممکن است به ما اعتراض نمایند که منظور نویسندگان قطعنامه این نبود که پیروزی قیام را با «تصمیم» مجلس مؤسسان که بتوسط تزار دعوت میشود برابر کنند و فقط میخواستند تاکتیک حزب را برای هر یک از دو مورد پیش بینی نمایند. ما در پاسخ این اعتراض خواهیم گفت: ۱) متن قطعنامه بطور صریح و بدون هیچ ابهامی تصمیم مجلس نمایندگان را «پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریسم» می نامد. شاید این قضیه نتیجه غفلت در نگارش باشد، شاید بتوان آن را از روی صورت جلسه ها اصلاح کرد ولی مادامکه اصلاح نشده است، این نگارش فقط ممکن است یک مفهوم داشته باشد و آن هم کاملاً مفهوم آسوباژدنیه مآبانه است. ۲) سیر فکری «آسوباژدنیه» مآبانه که نویسندگان قطعنامه بدان دچار شده اند در سایر آثار مطبوعاتی نوایسکرائیها با برجستگی بمراتب بیشتری متظاهر میگردد. مثلاً روزنامه «سوسیال دموکرات» ارگان کمیته تفلیس (بزبان گرجی که «ایسکرا» هم در شماره ۱۰۰ از آن تمجید کرده است)، در مقاله «زمسکی سابور و تاکتیک ما» کار را بجائی میکشاند که میگوید «تاکتیکی» «که زمسکی سابور را برای مرکز عملیات ما انتخاب میکند» (و ناگفته نماند که ما هنوز در باره دعوت آن هیچگونه اطلاع دقیقی نداریم!) از «تاکتیک» قیام مسلحانه و استقرار حکومت انقلابی موقت «برای ما با صرفه تر است». ما ذیلاً بار دیگر به موضوع این مقاله برمیگردیم. ۳) نمیتوان با اینموضوع مخالف بود که مقدمتاً در اطراف تاکتیک حزب چه در مورد پیروزی انقلاب و چه در مورد شکست آن، خواه در مورد موفقیت قیام و خواه در مورد اینکه ممکن است نائره قیام کاملاً برافروخته نشده و بیک نیروی جدی مبدل نگردد، بحث و مذاکره شود. شاید دولت تزاری موفق شود مجلس نمایندگان را بمنظور بندوبست با بورژوازی لیبرال دعوت کند، - قطعنامه کنگره سوم، با پیش بینی این مسئله، آشکارا از «سیاست ریاکارانه»، از «دموکراتیسم کاذب» و از «شکل های کاریکاتوری ارگان نمایندگی مردم از قبیل باصطلاح زمسکی سابور» صحبت میکند (۶*).* ولی تمام مطلب اینجاست که این موضوع در قطعنامه مربوط به

حکومت انقلابی موقت گفته نمیشود، زیرا این مسئله ربطی به حکومت انقلابی موقت ندارد. چنین موردی مسئله قیام و تأسیس حکومت انقلابی موقت را معوق میگذارد، شکل آنرا تغییر میدهد و قس علیهذا. ولی اکنون سخن بر سر این نیست که ممکن است موارد و شقوق گوناگونی پیش آید و ممکن است هم پیروزی و هم شکست، هم راه مستقیم و هم راه های پر پیچ و خم در پیش باشد، - اکنون سخن بر سر اینست که یک سوسیال دموکرات مجاز نیست ذهن کارگران را در خصوص راه واقعاً انقلابی مشوب سازد و مجاز نیست به شیوه «آسوباژدنیه» چیزی را پیروزی قطعی انقلاب بنامد که فاقد شرط اساسی پیروزی است. ممکن است روز کار ۸ ساعته را هم ما بلافاصله بدست نیاوریم و برای تحصیل آن مجبور به پیمودن راه پر پیچ و خمی گردیم، ولی اگر کسی پیروزی کارگران را آن حالت ناتوانی و ضعف پرولتاریا بنامد که در آن پرولتاریا قادر نباشد از دفع الوقت ها، تعویق ها، چانه زدن ها، خیانت و ارتجاع ممانعت نماید، آنوقت شما در باره چنین کسی چه خواهید گفت؟ ممکن است انقلاب روسیه همانطور که وقتی روزنامه «وپریود» (۷*) گفته بود با یک «مشروطه سقط شده» خاتمه یابد، ولی آیا این امر میتواند سوسیال دموکراتی را که در آستان مبارزه قطعی بخواهد این سقط جنین را «پیروزی قطعی بر تزاریس» بنامد تبرئه نماید؟ شاید هم، بفرض در نظر گرفتن بدترین شرایط، ما نه فقط جمهوری بدست نیاوریم بلکه مشروطه هم یک مشروطه مجازی «شیپف مآبانه» (۱۱۱) از آب درآید، ولی آیا پرده پوشی شعار ما در باره جمهوری از طرف یک سوسیال دموکرات قابل بخشایش خواهد بود؟

البته نوایسکرائیها هنوز بمرحله پرده پوشی این شعار نرسیده اند. ولی این موضوع که تا چه درجه ای روح انقلابی از آنها دور شده است و تا چه درجه ای وظائف پیکار جویانه کنونی تحت الشعاع درازگوئی خشک و بی روح قرار گرفته است با وضوح خاصی از اینجا پیداست که آنها در قطعنامه خود درست فراموش کرده اند از جمهوری سخن بمیان آورند! گرچه این موضوع باور نکردنی بنظر می آید ولی حقیقت است. تمام شعارهای سوسیال دموکراسی در قطعنامه های مختلف کنفرانس، تأیید شده، تکرار گردیده، توضیح داده شده و جزئیات آن مورد تشریح قرار گرفته است و حتی اینموضوع نیز فراموش نشده است که کارگران در مؤسسات خود ریش سفید و نماینده انتخاب کنند، - ولی فقط در قطعنامه مربوط به حکومت انقلابی موقت برای یادآوری از جمهوری موردی پیدا نشده است. صحبت از «پیروزی» قیام مردم و از تشکیل حکومت انقلابی موقت و در عین حال اشاره نکردن به اینموضوع که آیا این «اقدامات» و عملیات چه رابطه ای با بدست آوردن جمهوری خواهد داشت معنایش نوشتن قطعنامه ایست که هدفش رهبری مبارزه پرولتاریا نبوده بلکه لنگ لنگان از دنبال نهضت پرولتاریا روان شدن است.

نتیجه: قسمت اول قطعنامه: (۱) اهمیت حکومت انقلابی موقت را از نقطه نظر مبارزه در راه نیل به جمهوری و تأمین مجلسی که واقعاً همگانی و واقعاً مؤسسان باشد ابداً روشن نساخته است؛ (۲) درست آن وضعی را که در آن هنوز حتی شرط اساسی برای پیروزی واقعی موجود نیست با پیروزی

قطعی انقلاب بر تزاریسم برابر نموده و بدینوسیله ذهن دموکراتیک پرولتاریا آشکارا مشوب ساخته است.

زیرنویس ها

- (۱*) منظور قیام رزمنان «پرنس پوتمکین» است (تبصرهٔ لنین در چاپ سال ۱۹۰۷).
- (۲*) رجوع شود به کلیات لنین جلد ۹، چاپ چهارم روسی ص ۱۲۷. ه. ت.
- (۳*) در کنگرهٔ سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روس (لندن، ماه مه ۱۹۰۵) فقط بلشویکها و در «کنفرانس» (ژنو در همان تاریخ) فقط منشویکها شرکت کردند. در این رساله منشویکها غالباً «نو ایسکرائیها» نامیده میشوند، و علت این تسمیه آنست که آنها، ضمن ادامهٔ انتشار «ایسکرا»، با زبان همفکر آلمان خود ترتسکی اعلام نمودند.
- (۴*) متن کامل این قطعنامه را خواننده میتواند از نقل قول هائیکه در «مقالات: ۲» از قطعنامهٔ کنگرهٔ سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در بارهٔ حکومت انقلابی موقت چه نتیجه ای عاید ما میگردد؟، ۳- معنای «پیروزی قطعی انقلاب بر تزاریسم» چیست؟، ۴- انحلال رژیم سلطنتی و مسئلهٔ جمهوری، ۵- چگونه باید «انقلاب را بجلو سوق داد»؟ و ۱۰- «کمون های انقلابی» و دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک و پرولتاریا و دهقانان، بیابد. حجت
- (۵*) متن کامل این قطعنامه را نقل مینمائیم. «کنگره تأیید میکند که در حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از هنگام مبارزه آن با اکونومیسم تاکنون به میزان مختلف و در موارد گوناگون هنوز خرده اختلافاتی که با اکونومیسم خویشاوندی دارند باقی مانده است، و این خرده اختلافها نشانه ایست از تمایل کلی به پائین آوردن اهمیت عناصر آگاهی در مبارزهٔ پرولتاریا و تابع نمودن این عناصر به عناصر جریان خودبخودی. نمایندگان این خرده اختلافها، در مسئلهٔ تشکیلات، از لحاظ تئوری، اصل تشکیلات - پروسه را پیش میکشند که با کار منظم و از روی نقشهٔ حزب مغایرت دارد و اما از لحاظ عملی، در موارد بسیاری، از سبک انحراف از انضباط حزبی پیروی مینمایند و در سایر موارد، آن قسمتی از حزب را که آگاهی از همه کمتر است مورد خطاب خود قرار داده استفادهٔ وسیع از اصل انتخابی بودن را که با شرایط عینی واقعیت روس مطابقت ندارد، موعظه میکنند و میکوشند به یگانه پایه های ممکن ارتباط حزبی آسیب وارد آورند. در مسائل تاکتیکی، آنها با تاکتیک مکمل و مستقل حزب نسبت به احزاب بورژوازی لیبرال، با امکان و مطلوب بودن اینموضوع که حزب ما در قیام توده ای نقش سازماندهی را بر عهده گیرد و نیز، با شرکت حزب در حکومت انقلابی دموکراتیک موقت اعم از اینکه در هر شرایطی باشد، ابراز مخالفت مینمایند و بدینطریق نشان میدهند که در محدود ساختن میدان فعالیت حزب کوشا هستند.
- کنگره تمام اعضای حزب را دعوت مینماید بر ضد چنین انحرافات که در پاره ای موارد بصورت انحراف از اصول سوسیال دموکراسی انقلابی در آمده است در همه جا بمبارزهٔ مسلکی شدیدی اقدام

نمایند، ولی در عین حال عقیده دارد افرادی که تا درجه ای با اینگونه نظریات پیوستگی داشته باشند، باین شرط حتمی که کنگره ها و آئین نامه حزبی را قبول داشته و کاملاً مطیع انضباط حزبی باشند، شرکتشان در حزب مجاز است (تبصرهٔ لنین در چاپ سال ۱۹۰۷ ه. ت.).

(۶*) اینک متن این قطعنامه که به روش حزب نسبت به تاکتیک دولت در آستان انقلاب مربوط است.

«کنگرهٔ سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه با عطف توجه باینکه دولت بمنظور حفظ خود در دورهٔ انقلابی کنونی بر شدت فشار معمولی خود که قسمت اعظم آن متوجه عناصر آگاه پرولتاریاست میافزاید و در عین حال ۱) میکوشد از طریق گذشت ها و وعدهٔ اصلاحات ذهن سیاسی طبقهٔ کارگر را مشوب نماید و بدینطریق توجه ویرا از مبارزهٔ سیاسی منحرف سازد؛ ۲) بهمین منظور به سیاست ریاکارانهٔ خود مبنی بر دادن گذشت، شکل‌های دموکراتیسم کاذب میدهد که از دعوت کارگران بانتخاب نمایندگان خود برای کمیسیون ها و مجالس مشورت شروع شده و به ایجاد شکل‌های کاریکاتوری ارگان نمایندگی مردم از قبیل باصطلاح زمسکی سابور ختم میشود؛ ۳) باندهای سیاه تشکیل میدهد و بطور کلی تمام عناصر مرتجع غیر آگاه و یا آنهائی را که کینهٔ نژادی و مذهبی کور ساخته بر ضد انقلاب برمیانگیزد، -

مقرر میدارد به تمام سازمانهای حزبی دستور داده شود:

آ) مقاصد ارتجاعی دولت را از دادن گذشت فاش نمایند و در کار ترویج و تبلیغ خود، از طرفی خاطرنشان نمایند که این گذشت ها جنبه اجبار دارد و از طرف دیگر تأکید کنند که برای حکومت مطلقه عملی نمودن رفرمهایی که بتواند پرولتاریا را قانع کند مطلقاً امکان ناپذیر است؛

ب) با استفاده از تبلیغات پیش از انتخاباتی، مفهوم حقیقی این نوع اقدامات دولت را برای کارگران توضیح بدهند و ثابت نمایند که دعوت مجلس مؤسسان که بر اساس حق انتخاب همگانی متساوی و مستقیم با اخذ رأی مخفی انتخاب شده باشد برای پرولتاریا یک امر ضروری است؛

ج) پرولتاریا را برای عملی نمودن فوری و انقلابی روز کار ۸ ساعته و دیگر خواستههای مطرح شدهٔ طبقهٔ کارگر متشکل سازند؛

د) بر ضد تعرض باندهای سیاه و بطور کلی تمام عناصر مرتجعی که از طرف دولت هدایت میشوند سازمان مقاومت مسلحانه تشکیل دهند». (توضیح لنین در چاپ سال ۱۹۰۷ ه. ت.)

(۷*) روزنامهٔ «وپریود» منطبعه در ژنو در ژانویهٔ سال ۱۹۰۵ بعنوان ارگان قسمت بلشویکی حزب شروع بانتشار نمود. از ژانویه تا ماه مه ۱۸ شمارهٔ آن منتشر شد. از ماه مه بنابر تصمیم کنگرهٔ سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه بجای «وپریود» - روزنامهٔ «پرولتاریا» بعنوان ارگان مرکزی حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه آغاز انتشار نهاد (کنگرهٔ سوم در ماه مه در لندن تشکیل شد؛ منشویکها در آن شرکت نکردند و در ژنو از خود «کنفرانسی» تشکیل دادند) (توضیح لنین در چاپ سال ۱۹۰۷ ه. ت.).

(۱۰۲) کتاب «دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک» - در ماه ژوئن - ژوئیه سال ۱۹۰۵ در ژنو بتوسط لنین برشته تحریر در آمد. این کتاب در پایان ژوئیه سال ۱۹۰۵ بتوسط کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه (ح. ک. س. د. ر.) در ژنو چاپ و انتشار یافت. در همین سال این کتاب دو بار در روسیه با تیراژ ۱۰ هزار نسخه تجدید چاپ شد: یک بار از طرف کمیته مرکزی ح. ک. س. د. ر. و بار دیگر بطور جداگانه از طرف کمیته مسکو ح. ک. س. د. ر. این کتاب در سراسر کشور یعنی در پتربورگ، مسکو، غازان، تفلیس، باکو و در سایر شهرها بطور غیر علنی پخش شد. پلیس هنگام بازداشت و تفتیش افراد اغلب اوقات ده نسخه یا بیشتر از این کتاب نزد آنها می یافت. در ۱۹ فوریه سال ۱۹۰۷ اداره مطبوعات پتربورگ انتشار این کتاب را قدغن کرد. در ۲۲ دسامبر همانسال دادگاه شهر پتربورگ تصویبنامه ای در باره از بین بردن نسخه های این کتاب صادر کرد.

لنین در سال ۱۹۰۷ «دو تاکتیک» را باضافه تبصره های جدیدی، در مجموعه موسوم به «طی ۱۲ سال» منتشر کرد. اسناد مقدماتی مربوط به این کتاب یعنی طرح ها و مستخرجات و مقالاتیکه لنین در این باره نوشته است در جلد پنجم مجموعه آثار لنین - ص ۳۱۵-۳۲۰ و در جلد ۱۶ ص ۱۵۱-۱۵۶ درج است.

رفیق استالین در آثار خود موسوم به «قیام مسلحانه و تاکتیک ما»، «حکومت انقلابی موقت و سوسیال دموکراسی» (سال ۱۹۰۵)، «دو کشمکش»، «لحظه کنونی و کنگره متحده حزب کارگر» (سال ۱۹۰۶)، «پیشگفتاری برای چاپ گرجی رساله ک. کائوتسکی موسوم به نیروهای محرک و دورنماهای انقلاب روس» (فوریه سال ۱۹۰۷) و نیز در سایر تألیفات خود از تئوری لنینی انقلاب و آن اصول تاکتیک که لنین در کتاب تاریخی خود «دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک» توصیف نموده است بطرز پیگیری دفاع کرده و آنها را بسط داده است.

برای اطلاع از اهمیت تاریخی کتاب «دو تاکتیک» لنین رجوع شود به کتاب «دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی» ص ۱۰۳-۱۲۶ ترجمه فارسی. (۱۰۳) «پرولتاری» - روزنامه هفتگی غیر علنی بلشویکی و ارگان مرکزی ح. ک. س. د. ر. بود که بموجب تصویبنامه کنگره سوم حزب تأسیس شد. بنابر تصمیم پلنوم کمیته مرکزی حزب مورخه ۲۷ آوریل (۱۰ مه) سال ۱۹۰۵ لنین به سردبیری ارگان مرکزی تعیین گردید.

«پرولتاری» از ۱۴ (۲۷) مه تا ۱۲ (۲۵) نوامبر سال ۱۹۰۵ در ژنو انتشار می یافت. از این روزنامه ۲۶ شماره منتشر شد. و. و. واروسکی، آ. و. لوناچارسکی و م. س. اولمینسکی در کارهای هیئت تحریریه این روزنامه شرکت دائمی داشتند. «پرولتاری» خط مشی «ایسکرا»ی قدیمی لنین را تعقیب کرد و تمام خصوصیت روزنامه بلشویکی «وپریود» را حفظ نمود. لنین بیش از ۵۰ مقاله و یادداشت برای این روزنامه نوشت. مقالاتی که لنین در روزنامه «پرولتاری» می نوشت در مطبوعات

محلی بلشویکی چاپ میشد و نیز بصورت شبنامه منتشر میگردید.

به فاصله کمی پس از بازگشت لنین به روسیه که با ماه نوامبر سال ۱۹۰۵ مصادف بود انتشار روزنامه «پرولتاری» قطع گردید. دو شماره آخر این روزنامه (۲۵ و ۲۶) تحت نظر و. و. واروسکی منتشر شد.

(۱۰۴) «آسواپاژدنیه» – مجله ارگان لیبرالهای بورژوازی بود که در سالهای ۱۹۰۲-۱۹۰۵ به سردبیری پ. پ. استرووه هر دو هفته یک بار در خارجه انتشار می یافت. از ژانویه سال ۱۹۰۴ به بعد این مجله به ارگان سازمان لیبرالهای سلطنت طلب موسوم به «سایوز آسواپاژدنیه» («انجمن آزادی») مبدل شد. اعضای «انجمن آزادی» بعدها هسته اصلی حزب کادت را تشکیل دادند.

(۱۰۵) «اکونومیسم» – نام جریانی اپورتونیستی در سوسیال دموکراسی روس بود، که در پایان سالهای ۹۰ قرن ۱۹ بوجود آمد. (رجوع شود به «دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی» ص ۳۹-۴۵ و ۵۱-۶۶ ترجمه فارسی مسکو).

(۱۰۶) منظور – روزنامه «ایسکرا»ی نو یا «ایسکرا»ی منشویکی است. پس از کنگره دوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، منشویکها به کمک پلخانف اداره امور «ایسکرا» را بدست خود گرفتند. «ایسکرا» از نوامبر سال ۱۹۰۳، از شماره ۵۲ به بعد به ارگان منشویکی مبدل گردید و تا اکتبر سال ۱۹۰۵ منتشر میشد.

(۱۰۷) «کمیسون بولیگین» – کمیسیون مزبور بفرمان تزار در فوریه سال ۱۹۰۵ تحت ریاست آ. گ. بولیگن وزیر کشور تشکیل شد. این کمیسیون طرحی در باره قانون مربوط به تأسیس دوما مشورتی دولتی و آئین نامه ای در باره انتخابات دوما تهیه نمود که با بیانیه تزار مورخه ۶ (۱۹) اوت سال ۱۹۰۵ انتشار یافت. بلشویکها دوما بولیگین را جدا تحریم کردند. حکومت موفق به تشکیل دوما نشد. طوفان انقلاب بسط دوما را برچید.

(۱۰۸) «حزب دموکرات مشروطه طلب» – رجوع شود به کتاب حاضر ۱۰۰-۱۰۱. ﴿آثار منتخب لنین﴾.

(۱۰۹) میلرانسیم – جریانی اپورتونیستی بود که بنام میلران سوسیال – رفرمیست فرانسوی نامیده میشد. میلران در سال ۱۸۹۹ در کابینه ارتجاعی بورژوازی شرکت نمود و در آن با ژنرال گالیفه جلا، سرکوب کننده کمون پاریس همکاری میکرد.

(۱۱۰) حوادث ۹ ژانویه سال ۱۹۰۵ سرآغاز انقلاب سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ بود. رجوع شود به «دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی ص ۹۳-۹۶ ترجمه فارسی مسکو.

(۱۱۱) لنین برنامه «مشروطیت» د. ن. شیپف یکی از لیدرهای جنبش لیبرال – زمستوای سالهای ۱۸۹۰-۱۹۰۰ را در نظر دارد. هدف این برنامه حفظ رژیم حکومت مطلقه تزاری بود که اندکی بوسیله قانون اساسی «اعطائی تزار» محدود میشد.

﴿ادامه دارد﴾